

## نگاهی به دانشنامه حقوقی فارسی میانه (زبان پهلوی)\*

یدالله منصوری

پیشینه مسائل حقوقی ایران را در اوستامی توان سراغ گرفت. اوستای عصر ساسانی شامل سه بخش مفصل (بیست و یک نسک) بوده که نام آنها به صورت گاهانیک<sup>۱</sup>، هادگ مانسریگ<sup>۲</sup>، و دادیگ<sup>۳</sup> در متن پهلوی دینکرد آمده است (DKM 678.1-6 →). بخش دادیگ، منسوب به «داد، قانون»، برگرفته از اوستایی و فارسی باستان -dāta «داد، قانون» صفت مفعولی از ریشه dā- «نهادن، وضع کردن» است. از عنوان این بخش پیداست که محتوای آن قضایای فقهی و حقوقی بوده است. دادیگ حاوی هفت نسک جداگانه به نام‌های نیکائتم نسک<sup>۴</sup>، گنباسرنسک<sup>۵</sup>، هوسپارم نسک<sup>۶</sup>، سکائتم نسک<sup>۷</sup>، و نندیداد نسک<sup>۸</sup>، چهار دادیگ نسک<sup>۹</sup>، بغان یشت<sup>۱۰</sup> بوده است (DKM 678.7-10 →). از این هفت اثر فقهی و حقوقی اوستایی تنها وندیداد به جا مانده که ترجمه پهلوی آن، زند وندیداد، در دست است.

\* این مقاله صورت ویراسته سخنرانی نگارنده است که در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۸۹ در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایراد شد.

- |   |                             |                          |
|---|-----------------------------|--------------------------|
| 1) Gāhānīg cf. Av. gāθa-                |                             | 3) Dāfīg Av. dāta-       |
| 2) Hādag-mānsarīg cf. Av. Haða. mañθra- |                             |                          |
| 4) Nīkātum                              | 5) Gunbāsrōzat/ Dunbāsrōzat |                          |
| 6) Huspāram                             | 7) Sakātum                  | 8) <sup>+</sup> Widēwdād |
| 9) Čīhrdād                              | 10) <sup>+</sup> Bayān-yašt |                          |

گویا کهن‌ترین متن حقوقی در زبان پهلوی مادیان هزار دادستان باشد که صرفاً قضایای آن حقوقی است. متن پهلوی، در دو بخش جداگانه به صورت ناقص، به دست ما رسیده است. نسخه خطی بخش نخست آن متعلق است به کتابخانه مانکچی لیم جی هوشنگ هاتاریا که جوانجی جمشیدجی مودی، از موبدان دانشمند پارسی هند، به سال ۱۹۰۱ در بمبئی منتشر کرد. بخش دوم آن متعلق به تهمورث دینشاه انکلساریا نیز، به کوشش مودی، در سال ۱۹۱۲ منتشر شد. مودی، بر هر دو نسخه، مقدمه‌ای به زبان انگلیسی نوشت و آن حاوی مطالب بسیار سودمندی است به لحاظ قرائت درست برخی واژه‌ها و نام‌های خاص متن پهلوی مادیان هزار دادستان.

مادیان هزار دادستان (به تعبیر امروزی، «ماده‌ها یا فتاوی هزارگانه حقوقی»)، نوشته فرّوخ‌مرد و هرامان (فرّوخ‌مرد پسر بهرام)، کهن‌ترین اثر مکتوب حقوقی است که از روزگار ساسانیان به جا مانده است (MHD 80.17 →). نسخه اولیه و اصلی این متن، به خلاف بیشتر متون پهلوی که در اوایل عصر اسلامی کتابت شده‌اند، در عصر ساسانی نوشته شده است. ذکر نام‌های خسرو و انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) و خسرو پرویز (۵۹۱-۶۲۸ م) در این اثر تعلق آن را به عصر ساسانی مسلم می‌سازد (برای این نام‌ها به ترتیب ← MHD 78.2, 100.7). متن این اثر بسیار پیچیده و دشوار است. از عناوین فصول و مندرجات آن بر می‌آید که موضوع آن حقوق خانوادگی و اجتماعی مانند حقوق زنان و کودکان و مردان، ارثیه و قوانین پیوند زناشویی (ازدواج و طلاق)، و دیگر مسائل حقوقی مربوط به جامعه ایرانی عصر ساسانی بر اساس آموزه‌های دین زردشتی است. متأسفانه این اثر به صورت کامل به دست ما نرسیده است. بخش بزرگ آن (نسخه هاتاریا) شامل پنجاه و پنج برگ (صد و ده صفحه به قطع رحلی)، هر صفحه در هفده سطر متن و بخش کوچک آن (نسخه انکلساریا) شامل بیست برگ (چهل صفحه) هر صفحه در هفده سطر متن پهلوی است. بخش نخست آن از دَر (= فصل) شانزدهم آغاز می‌شود و به دَر سی و پنجم پایان می‌یابد؛ بخش دوم آن از دَر چهل و هفت آغاز می‌شود و به دَر پنجاه و چهار ختم می‌گردد. بدین قرار، اول و آخر این کهنه‌کتاب افتاده است. افزون بر آن، در جای جای این دو نسخه، افتادگی‌ها و نوشته‌های ناخوانا و پراکنندگی‌هایی دیده می‌شود که خواندن و دریافتن و ترجمه آن را دو چندان دشوار می‌سازد.

این متن مجموعاً شامل سی و هفت فصل است. هر فصلی عموماً به یک موضوع حقوقی مطرح در جامعه آن روز ساسانی اختصاص یافته است. به عنوان نمونه، سه فصل آن - در ایوکیُن (ایوگین) زن، در پادشاه زن، در از زنی هشتن (طلاق) - در باب حقوق زنان است. ابوابی در آن آمده است راجع به بردگی و برده‌داری و وظایف کارگزاران دادگستری و وکلا و وکالت (در جادگ گوانک) و خواهان و خوانده (شاکی و مشتکی عنه) همچنین فصل‌هایی در گروگذاری و درآمد و اموال شخصی، شراکت مالی و سرمایه‌گذاری، ارث و میراث (ازش مآند)، قیمومت (سالاری و سرپرستی)، و حتی برخی از قوانین مربوط به خیرات و موقوفات. در این کتاب، به چند اثر حقوقی و دینی - اوستا، ایاتگار، چاشتگی ابرگ (رساله و آموزه ابرگ)، چاشتگی مدیوماه (رساله و آموزه مدیوماه)، دادستان‌نامه، مُست‌ورنامه (دادنامه، شکایت‌نامه)، نبشتنگ (نوشته)، خویشکاری نامگی موبدان، و خویشکاری نامگی کارفرمایان - استناد شده است. نیز، در آن، به نهادهای دولتی و قضایی مانند دیوان (= دادگستری)، دیوان موبد اردشیرخَره، دیوان استانداری، دیوان کردگ (= اداره موقوفات)، خوارستان (= جایگاه شهود)، زندان همچنین به مقام‌ها و مناصبی چون داور، دستور، شهر داوران داور (= قاضی القضاة کشور)، گور داور (= داور شهر گور)، استاندار، ورسالار، بزرگ‌فرمدار (= نخست‌وزیر)، زندانبان (بیش از سی و چهار منصب) اشاره رفته است. نام و عنوان بیش از هفتاد و هشت تن شخص حقیقی و حقوقی و نام حدود هفده شهر و محل نیز در آن آمده است. حاصل کلام آنکه این اثر ارجمند حدود نهصد اصطلاح حقوقی و قضایی را دربر دارد. از این رو، ایران‌شناسان بر آنند که اصل این اثر در عصر ساسانیان در حد و طراز دانشنامه حقوقی بوده است.

واژه‌های حقوقی در دیگر متن‌های پهلوی که کمابیش مضامین و محتوای مشترک و مشابهی دارند مانند شایست نشایست، روایت امید آشوهیستان، روایت آذر فرنیغ فرخزادان، دادستان دینی، هیربدستان و نیرنگستان، و جز آن نیز آمده است.

اینک، محض نمونه، چند اصطلاح حقوقی و اقتصادی و مالی عصر ساسانیان ذکر می‌شود که نمودار جنبه‌های حقوقی مسائل مالی و بازرگانی و داد و ستد و فعالیت‌های اقتصادی‌اند. در این مقام، کاربرد و رواج این اصطلاحات را براساس مندرجات مادیان هزار دادستان و برخی متون فقهی و حقوقی پهلوی، یادآور می‌شویم و،

به این مقصود، به ذکر برخی واژه‌های پُرسامد و مشتق‌ساز اکتفا می‌کنیم که چه بسا در واژه‌سازی حقوقی-اقتصادی به کار آید.

وام «قرض»، واژه‌ای کلیدی در داد و ستد و خرید و فروش و دیگر مسائل مالی و اقتصادی است. مادّه و مشتقات آن به شرح زیر است:

**abām** «وام، قرض» (MHD 2.1): abāmdān «وام‌دار، بدهکار» (MHD 3.3)؛ abāmdār «وام‌دار، بدهکار» (RAFF 356.66)؛ abām-dādār «وام‌دهنده» (RAFF 357-8.68)؛ abāmīha «وام‌دارانه، بدهکارانه» (Pahl.Riv 15b2).

گرو «وثیقه و رهن مالی»، که وام‌گیرنده، درازای وام، به وام‌دهنده می‌سپارد. مادّه و مشتقات آن در مادیان هزار دادستان به شرح زیر است:

**graw** «گرو، وثیقه» (MHD 7.17): grawīh «گرویی» (MHD 85.2)؛ graw-dār «گرودار» (MHD 40.13f.)؛ graw(a)gān «گروگان» (MHD 37.11)؛ graw(a)gānag «گروگانه، گروگانی» (صفت) (MHD 104.4)؛ graw(a)gānīh «گروگانگی» (MHD 89.4)؛ graw(a)gāndār «گروگان‌دار» (MHD 37.11). دیگر مشتقات آن با پیشوند: āgraw «به‌گرو، آنچه گرو گذاشته شود»، (MHD 38.13)؛ āgrawīh «به‌گرو بودن» (MHD 29.12)؛ با پیشوند نفی a-graw: «بی‌گرو» (MHD 40. 4).

بهر «بهر، سهم»، از واژه‌های کلیدی مالی که، در حدّ خود، مشتقات نسبتاً پرشماری دارد و حدود بیست و پنج ترکیب از آن ساخته شده است. مادّه و برخی از مشتقات آن به شرح زیر است:

**bahr** «بهر، سهم» (MHD 44.9-10): bahrag «بهره، حصّه، قسمت» (MHD 11.12)؛ bahr-war «بهره‌ور» (AWN 39.3)؛ bahr-warīh «بهره‌وری، سوددهی» (MX 65.19)؛ bahrpā «بهرپا، میراث‌دار» (RHA 3.1)؛ ham-bahr «هم‌بهر، سهم» (RHA 23.14)؛ kār-bahrag «کاربهره، بهره‌کار» (MHD 65.8)؛ bahr-stānišnīh «بهره‌ستانی» (DK 5 17.5).

همچنین، با افزودن نام ساختارهای اجتماعی و اعضای خانواده به واژه bahr، نوعی ترکیب و اصطلاح حقوقی در مسائل اقتصادی ساخته می‌شده است: bahr ī dūdag «بهر یا سهم دوده، خانواده» (RAFF 362.73)؛ bahr ī duxtīh «بهر یا سهم دختری» (MHD 44.10)؛ bahr ī pusīh «بهر یا سهم پسری» (MHD 62.5)؛ pus ud duxt bahr «بهر یا سهم پسر و دختر»

bahr ī mād «بهر یا سهم مادر» (MHD 41.13)؛ bahr ī zanīh «بهر یا سهم زنی» (MHD 82.11f.)  
 bahr ī kadag-bānūg «بهر یا سهم کدبانو» (MHD 52.12)؛ bahr ī stūrīh «بهر یا سهم سرپرستی (قیمومت)» (MHD 44.10)؛ bahr ī xwēš «بهر یا سهم خویش (شخصی)» (MHD 1.6f.)؛  
 bahr ī xwēših «بهر یا سهم خویشی (شخصی و اختصاصی)» (MHD 44.8)؛ bahr ī yazdān «بهر یا سهم ایزدان (موقوفات)» (MHD 80.11)؛ bahr ī abārīg ham-bāyān «بهر یا سهم دیگر شُرکا» (MHD 86.12f.)  
 nēm-bahrag «نیم‌بهره، نصف سهم» (MHD 24.6)؛ همچنین فعل‌هایی چون bahr dādan «بهر و سهم دادن» (MHD 61.4)؛ bahrag kunišn «بهر کردن، تقسیم کردن» (MHD 65.12)؛ bahrag ošmurdan «بهره شمردن، برآورد کردن بهره و سهم» (MHD 65.8).

بهر «ثمره، حاصل، سود»، اصطلاحی که در حوزه اقتصادی و مالی به کار می‌رفته است. در مادیان هزار دادستان چند مشتق از آن آمده است. ماده و مشتقات آن به شرح زیر است:  
 bar «بهر، ثمره، سود، حاصل» (MHD 9.15)؛ barōmand «برومند، دارای ثمره و حاصل» (MHD 34.2)؛ bar-xwar «بهرخوردار (از ارث)، بهره‌مند» (MHD A7.8)؛ bar-xwēš «بهر خویش، دارای شخصی» (MHD 37.14)؛ bar ud waxt «درآمد و سود» (MHD 35.10).

خواستنه «دارایی و مال»، اصطلاحی با کاربرد حقوقی-اقتصادی که ماده و مشتقات آن به شرح زیر است:

xwāstag «خواستنه، دارایی، سرمایه» (MHD 1.8, ...)؛ xwāstag-bahr «بهر خواسته، سود سرمایه» (MHD 86.12f.)؛ xwāstag-dār «خواستنه‌دار، میراث‌دار» (MHD 2.5)؛ xwāstag-dārīg «مربوط به خواسته‌داری و میراث‌داری» (صفت) (Purs 53f.59)؛ xwāstag-dārīh «خواستنه‌داری، مال‌داری» (MHD 59.17)؛ xwāstag-dārīšn «خواستنه داشتن، مال داشتن» (MHD 59.11)؛ xwāstag-sālārīh «خواستنه‌سالاری، سرپرستی دارایی» (MHD 31.15)؛ xwāstag-tōzišn «خواستنه توختن، خواسته اندوختن، خواسته گزاردن، ادای خواسته» (MHD 60.2)؛ ham-xwāstag «هم‌خواستنه، شریک در مال» (MHD 55.11f.).

وئدشن «درآمد، کسب»، اصطلاحی است تخصصی و در فارسی میانه از واژه‌های شاد و نادر به شمار می‌آید، ولی در متون و عبارات حقوقی در حد خود پُرسامد است (هشت مورد). ماده و مشتقات آن به قرار زیر است:

windišn «درآمد، کسب» (MHD 4.7)، اسم مصدر از windādan «یافتن، به دست آوردن»؛

ham-windišn «هم‌درآمد، درآمد دو یا چند نفره» (MHD A 1.4, 12)؛ ham-windišnih «هم‌درآمدی» (MHD 23.10f.)؛ jud-windišn «درآمد جداگانه» (MHD A 1.12)؛ jud-windišnōmand «دارای درآمد جداگانه» (MHD A 1.4)؛ kār-windišn «کاریابی، یافتن درآمد و کسب» (MHD 33.1)؛ mizd-windišn «مزدیابی، به دست آوردن مزد» (Her. 18.2)؛ nīrmad-windišn «سودیابی، به دست آوردن سود» (MX intro. 9, 12).

ناگفته نماند که از این اصطلاحات می‌توان در واژه‌سازی و واژه‌گزینی و احیاناً معادل‌یابی برای اصطلاحات ساخته‌شده یا وام‌گرفته از عناصر زبان عربی بهره جست. به هر حال، نباید این واژه‌ها را متروک گذاشت و به آنها روی خوش نشان نداد و تنها از دیدگاه تاریخی به آنها نگریست. برخی از این واژه‌ها یا صورت‌های دری آنها زنده مانده‌اند یا در روزگار نو زندگی از سر گرفته‌اند. به گفته ادبا و اهل فن، شعر کهنه و نو ندارد. باید افزود که واژه هم به اعتباری کهنه و نو ندارد و هرگاه شناخته شود و ریشه و معنی آن روشن گردد و به خصوص خوش‌آهنگ و گوش‌نواز هم باشد سزاوار است که حیات از سرگیرد و گنجینه واژگانی را غنی‌تر و پرمایه‌تر سازد.

## منابع

- ژنیو، فیلیپ، ارداویرافنامه (ارداویرازنامه)، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، انتشارات معین، تهران ۱۳۷۲.  
کتاب پنجم دینکرد، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، انتشارات معین، تهران ۱۳۸۶.  
مادیگان هزار دادستان (متن پهلوی از روی دو دست‌نویس)، ویرایش ا. ت. د. انکلساریا، با پیشگفتار ج. ج. مودی، (افست تهران)، ۱۹۷۶.  
منصوری، یدالله، «اصطلاحات حقوقی در زبان فارسی میانه (پهلوی)»، نامه فرهنگستان، دوره دهم، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۷)، شماره مسلسل ۴۰، ص ۱۴۴-۱۵۵.  
AWN GiqnoUX, Ph. (1984), *Le Livre d'Ardā Vīrāz*, Paris.  
DK 5 Amouzgar, J. et Tafazzoli, A. (2000), *Le Cinquième livre du Dēnkard (5)*, Paris.  
DKM Madan, D., M. (1911), *Dēnkart* (complete text), I-II, Bombay.  
Her. Kotwal, F. & Ph. G., Kreyenbroke (1992), *The Hērbedestān and Nērangestān*, vol. I, Paris.  
MHD Anklesaria, E. T. D. (1912), *The Social Code of the Parsees in Sasanian Times (The Madigān-i-Hazār Dādīstān)*, I-II, with an introduction by J. J. Modi, Bombay.

- MX* ANKLESARIA, T. D. (1913), *Dânâk-u mainyô-i Khrad*, Bombay.
- Pahl.Riv.* WILLIAMS, A. V. (1990), *The Pahlavi Rivâyât, Accompanying the Dâdestân ī Dēntg*, I-II, Copenhagen.
- Purs.* JAMASPASA, K. & H. HUMBACH (1971), *Pursišnūhā*, I-II, Wiesbaden.
- RAFF* ANKLESARIA, B. T. (1969) *The Pahlavi Rivâyât of Āturfarnbag-Srōš*, I-II, Bombay.
- RHA* ANKLESARIA, B. T. (1962), *Rivâyât ī Hēmīt ī Ašawahišṭān*, vol. 1, Bombay.

